

wikiAzmoon
wikiazmoon.ir

- | | |
|--|------|
| <p>گزینه‌ی «۳» (زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی) بین «بالا» در مصراع اول و در مصراع دوم: جناس تام / بین «سر» و «سر» / جناس ناقص / سایه‌ی معشوق از سر من کم مباد / کنایه‌ی از «مورد لطف و حمایت معشوق قرار داشتن و آرزومند تداوم آن بودن» / «سر» استعاره از «معشوق خوش قد و قامت» / «تشبیه» سایه‌ی معشوق که بر سر من است (مشبه) مانند رحمتی از عالم بالاست (مشبه‌به)</p> <p>(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی) گزینه‌ی «۲» (زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی) بیت الف): روزی ایهام دارد: ۱- یک روز ۲- رزق و نصیب و قسمت روزانه. / بیت ب): «خاکت می‌خورد» کنایه است «از مردن و از بین رفتن» است. / بیت ج): تشبیه: شاعر سخن معشوق را همچون شکر، شیرین می‌داند که باعث کسدادی بازار شکر هم می‌شود. / بیت د): بین ملال و ملام: جناس ناقص برقار است. / بیت ه): (عشق، زمام از دست عقل می‌بستاند) تشخیص دارد و می‌دانیم که همه‌ی تشخیص‌ها به نوعی استعاره نیز هستند.</p> | - ۱۱ |
| <p>گزینه‌ی «۱» (زبان فارسی ۳، ویرایش، درس ۳، صفحه‌ی ۱۹) از نقطه ویرگول: برای جدا کردن جمله‌هایی که از جهت ساختمان و مفهوم مستقل به نظر می‌رسند ولی در یک عبارت طولانی، با یکدیگر بستگی معنایی دارند، استفاده می‌شود.</p> <p>گزینه‌ی «۳» (زبان فارسی ۳، پمله‌ی ساره و اپرای آن، درس ۴، صفحه‌های ۶۶-۶۷) اجزای عبارت صورت سوال یک جمله‌ی سه جزئی گذرا به متمم را نشان می‌دهد:</p> <p>در مباحث مختلف (متمم قبدي)، به مناسبت (متمم قيدي)، گاه (قييد) به عبارات يا صفحاتي چند (متمم فعلی)، از صاحب‌نظران مردم شناسی (متمم اسمی)، برمی‌خوریم (فعل گذرا به متمم)</p> <p>گزینه‌ی «۳»: نویسنده (نهاد)، در این بخش (متمم قيدي)، به موضوع فروخته شدن عمومی به ... (متمم فعل (اجباری)) می‌پردازد (فعل گذرا به متمم) ← جمله‌ی سه جزئی گذرا به متمم تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۱»: ادب پایداری (نهاد)، مرزه‌های قومی را (مفعول)، می‌شکافد (فعل گذرا به مفعول) ← جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول</p> <p>گزینه‌ی «۲»: این گونه چشم‌انداز به ... (نهاد)، حوزه‌ی آن را (مفعول)، از سایر آثار ادبی (متمم اسمی)، متمایز (مسند)، می‌کند (فعل اسنادی). ← جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند</p> <p>دقت کنید که «متمایز می‌کند» را فعل مرکب به شمار نیاورید.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: چنین آثاری را (مفعول)، نمی‌توان (بخشی از فعل)، به صورت یک شعر مستقیم و ... (متمم قيدي)، در گستره‌ی ادبیات پایداری (متمم فعلی)، گنجاند (فعل گذرا به مفعول و متمم)</p> <p>گزینه‌ی «۴» (زبان فارسی ۳، ساقمهان و اژه ۲)، درس ۵، صفحه‌های ۱۳۶-۱۳۷ توجه کنید که فقط هسته‌ی گروه اسامی را در گروههای مفعولی مورد توجه قرار دهید، نه کلمه‌ای که به «را» مفعولی ختم می‌شود.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: سینه / گزنشی «۳»: قلب / گزنشی «۳»: سکوت، هسته‌های گروه اسامی مفعولی هستند که هیچ کدامشان مشتق نیست و تنها در گزینه‌ی «۴»، «دیدگان»، با ساختمان مشتق (دید + ۵) به کار رفته است.</p> <p>گزینه‌ی «۳» (زبان فارسی ۳، پمله، درس ۳، صفحه‌ی ۱۵) واژه‌ها: موضوع / زبان‌شناسی / تاریخی / پژوهش / در / تحولاتی / است / که / هر / زبان / در / اطی / تاریخ / طولانی / خود / پذیرفته است. ← ۲۱ واژه</p> | - ۱۲ |
| <p>گزینه‌ی «۳» (زبان فارسی ۳، پمله، درس ۳، صفحه‌ی ۱۵) واژه‌ها: موضوع / زبان‌شناسی / تاریخی / پژوهش / در / تحولاتی / است / که / هر / زبان / در / اطی / تاریخ / طولانی / خود / پذیرفته است. ← ۲۱ واژه</p> <p>تکوازها: موضوع / زبان / شناس / ای / تاریخ / ای / پژوهه / ش / در / تحول / ات / ای / است / که / هر / زبان / در / اطی / تاریخ / ا / طولانی / خود / ا / خود / بذه / فت / ا / است / که / هر / زبان / در / اطی / تاریخ / ا / طولانی / ا / تکواز</p> | - ۱۳ |
| <p>گزینه‌ی «۳» (زبان فارسی ۳، پمله، درس ۴، صفحه‌ی ۱۶) تکوازها: موضوع / زبان / شناس / ای / تاریخ / ای / پژوهه / ش / در / تحول / ات / ای / است / که / هر / زبان / در / اطی / تاریخ / ا / طولانی / خود / ا / خود / بذه / فت / ا / است / که / هر / زبان / در / اطی / تاریخ / ا / طولانی / ا / تکواز</p> | - ۱۴ |

ادیتات

سراسری تمریز ۹۱

تهیه و تنظیم: سعید گنج بخش زمانی
ویراستار: الهام محمدی

- | | |
|--|---|
| <p>گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی ۲، لغت، فهرست و انگلیان) واژگانی که با معنای درست در صورت سوال آمده‌اند: وجنه: رخسار / اشتلم: لافزدن / ذکو: ورد / بنان: انگشت / سفاهت: بی خردی، کم عقلی / طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ / مصنف: محل صفت بستن، میدان جنگ</p> <p>معنای درست واژگانی که غلط معنی شده‌اند عبارت است از: دستوری: رخصت، اجازه دادن / زلت: لغزش، خطا / مشعوف: شادمان</p> <p>گزینه‌ی «۳» (ادبیات فارسی ۳، لغت، درس‌های ۷، ۹ و ۱۱، صفحه‌های ۵۱، ۵۳ و ۵۸) با توجه به متن معنی واژه‌های مشخص شده عبارت اند از: آسیب: تماس / خیر خیز: سریع / سطوط: حشمت، مهابت، غلبه، وقار / اهلیت: شایستگی، لیاقت، صلاحیت برای امری، سزاواری / به تگ ایستاد: شروع به دویدن کرد.</p> <p>گزینه‌ی «۲» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست و انگلیان) دست‌لاف: دشت، پیش‌مزد، فروش اوّل هر کاسب است، در حالی که «مقرری» به معنای وظیفه و مستمری که به کارمندان و افراد خدمت‌گزار داده شود.</p> <p>گزینه‌ی «۱» (زبان فارسی ۳، املاء، درس ۱۳، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱) واژگان غلط و شکل درست آن‌ها به ترتیب عبارت اند از: تعقلات ← تأقلات / عالی ← لایی نکته: در این عبارات «نواحی» و «حدر» به شکل املایی درست خود آمده‌اند.</p> <p>گزینه‌ی «۲» (زبان فارسی ۳، املاء، درس‌های ۱۴، ۱۸ و ۲۳، صفحه‌های ۱۱۰ و ۱۷) گزینه‌ی «۳»: مطبوع ← متبع / احصاء العلوم ← احصاء العلوم گزینه‌ی «۴»: تیلسان ← طیلسان</p> <p>گزینه‌ی «۳» (ادبیات فارسی ۲، تاریخ ادبیات، درس ۱۱، صفحه‌های ۸۸ و ۸۷) کتاب مائدنهای زمینی اثر معروف آندره زید نویسنده‌ی فرانسوی که آن را پرویز داریوش و جلال آل احمد به فارسی ترجمه کرده‌اند.</p> <p>گزینه‌ی «۲» (ادبیات فارسی ۳، تاریخ ادبیات، پیش اعلام) «آینه‌های ناگهان» اثر قیصر امین پور است نه فاطمه راکعی. / «آرش» اثر سیاوش کسرابی است نه علیرضا قزووه. / «از نخلستان تا خیابان» اثر علیرضا قزووه است نه مصطفی علی‌پور. / «بامداد اسلام» اثر دکتر عبد‌الحسین زرین کوب است.</p> <p>گزینه‌ی «۴» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، تاریخ ادبیات، درس‌های ۲۶، ۳۱ و ۳۸، صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۵۵) یادنامه‌ی دکتر زریاب خویی تحت عنوان «یکی قطره باران» و یادنامه‌ی دکتر غلامحسین یوسفی تحت عنوان «فرخنده پیام» فراهم آمده است که ترتیب آن‌ها در این گزینه نادرست نوشته شده است.</p> <p>گزینه‌ی «۴» (زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی) دام و مدام: جناس ناقص / مدام: ایهام دارد: ۱- پیوسته، همیشه، پیایی-۲- شراب، می / مدام مصراع اول و مصراع دوم: جناس تمام / واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف، صامت «م» و مصوت «ا» در بیت هم دیده می‌شود. / «دام» استعاره از «زلف» یار که همچون دامی انسان عاشق را به تنفسی کشد. / «مدام» استعاره از «لب» به جهت سرخی آن.</p> <p>در این بیت از تنافق، حسن، تعطیل، اثرب، نیست.</p> | <p>-۱</p> <p>-۲</p> <p>-۳</p> <p>-۴</p> <p>-۵</p> <p>-۶</p> <p>-۷</p> <p>-۸</p> <p>-۹</p> |
|--|---|

- | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|------------------|---------------------------|-------------|----------------|----------------|----------------|----------------|----------------|----------------|---------------------------------|--------------------------------|----------------|----------------|----------------|----------------|-------------------------|-----------------------------|----------------|----------------|----------------|----------------|---------------------------|--|----------------|----------------|----------------|----------------|
| <p>گزینه‌ی «۳» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌انشکاهی، مفهوم)، درس ۱۵، صفحه‌ی ۱۱۵</p> <p>در عبارت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ بیان شده است که پاید در مقابل دیگران و سختی‌ها و ناسازها صبوری کرد و شکبیابی به خرج داد. اما در گزینه‌ی «۲» گفته شده است که «خدایا ما گنه کار در این دریای کرم تو قرار گرفته‌ایم، توفیقی عنایت کن و از سر تعصیرات ما بگذر.» که این مفهوم با عبارت صورت سؤال تناسب ندارد.</p> <p>گزینه‌ی «۲» (ادبیات فارسی ۳، مفهوم)، درس ۶، صفحه‌ی ۵۲</p> <p>در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ به امیدواری به سپری شدن ایام سختی و آمدن دوران آسایش اشاره شده است. مفهوم امیدواری و توصیه‌ی به آن دیده می‌شود در حالی که در گزینه‌ی «۳» تنها خبر سپری شدن ایام فراق داده می‌شود و این که باید اکنون شاد بود.</p> <p>گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی ۴، مفهوم)، درس ۱۲، صفحه‌ی ۱۱۲</p> <p>در مفهوم عبارات گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ «عدم پذیرش صله و پرهیز از تنعم به خاطر قانون بودن است در حالی که در گزینه‌ی «۴» عدم پذیرش صله بدان علت است که گیرنده شیوه‌ی به دست آوردن آن را نمی‌داند. (حلال یا حرام بودن)</p> <p>گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی ۴، مفهوم)، درس ۹، صفحه‌ی ۱۱۸</p> <p>در بیت صورت سؤال آمده است که «من انتظار می‌کشیدم کسی خبری از یار به من بدهد که ناگهان یار خودش آمد و من از شوق دیدار او بی‌هوش و بی‌خبر ماندم.» این مفهوم البته در مقام عرفانی آن در گزینه‌ی «۴» کاملاً مطرح است و صائب تبریزی می‌گوید: «در این جهان تا خبری از اسرار حقیقت یافتم، مرا بی‌هوش و بی‌خبر از آن کردن.»</p> <p>تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۱»: خواجوي کرماني می‌گويد: چون من بی‌قرار و شیدا شدم و از دست رفتم، این انتظار را از لطف تو دارم که به من توجه کنی.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: ملامحسن فیض کاشانی در این بیت می‌گوید که اگر کسی خبری از یار بیاورد، غم مرا از بین می‌برد و من دعاهای فراوانی بدرقه‌اش خواهم کرد.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: در این گزینه هم سعدی می‌گوید تا ذوق درونم از دوست خبری به من می‌دهد دیگر از سرزنش‌های دشمنانم به خدا بخوبی خبرم</p> <p>گزینه‌ی «۲» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌انشکاهی، مفهوم)، درس ۱۶، صفحه‌ی ۷۵</p> <p>کرامت: در اصل بزرگواری‌ها (آن چه در گزینه‌ی «۲» آمده است) و در اصطلاح صوفیه امور خارق العاده است که به سبب عنایت خداوندی از صوفی کامل و واصل صادر می‌شود؛ چون اخبار غیبی و اشرف بر ضمایر (آن چه در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ آمده است).</p> <p>شرح ایات:</p> <p>گزینه‌ی «۱»: با انسان‌های کامل و در مقابل آنان، لافداشتن کرامات نزن چرا که هر سخن جا و هر نکته مکان خاص خودش را دارد.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: بزرگواری کن و در درونم درد عشق بی‌روزان دردی که همه‌ی وجودم را فرآگیرد.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: این قدر که ادعای کرامت و مقامات خاصی دارم عاقبت هیچ خبری از هیچ بزرگی به من نرسید و مرا نخواستند.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: وقتی به این ارزش و مقام رسیدی، سبب می‌شود که از کرامت هم چون موسی قدم بگذاری و از هفت آسمان درگذرد.</p> | <p>وابسته‌های وابسته:</p> <table border="0" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 15%;">آهنگ کلام</td> <td style="width: 15%;">قدما / شیرینی بیان</td> <td style="width: 15%;">فرخی</td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> </table> <table border="0" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 15%;">شادابی اندیشه‌ی بخردانهی</td> <td style="width: 15%;">رودکی / توصیف خرمیات او</td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> </table> <table border="0" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 15%;">روح کلام منوجهری</td> <td style="width: 15%;">دربای معانی شعر بهار</td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> </table> <table border="0" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 15%;">فرهنگ ایران باستان</td> <td style="width: 15%;"></td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> <tr> <td>هسته مضاف‌الیه</td> <td>هسته مضاف‌الیه</td> </tr> </table> | آهنگ کلام | قدما / شیرینی بیان | فرخی | هسته مضاف‌الیه | شادابی اندیشه‌ی بخردانهی | رودکی / توصیف خرمیات او | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | روح کلام منوجهری | دربای معانی شعر بهار | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | فرهنگ ایران باستان | | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه |
| آهنگ کلام | قدما / شیرینی بیان | فرخی | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| شادابی اندیشه‌ی بخردانهی | رودکی / توصیف خرمیات او | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| روح کلام منوجهری | دربای معانی شعر بهار | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| فرهنگ ایران باستان | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| هسته مضاف‌الیه | هسته مضاف‌الیه | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| <p>گزینه‌ی «۱» (ادبیات فارسی ۲، مفهوم)، درس ۷، صفحه‌ی ۶۳</p> <p>در گزینه‌ی «۱»، بر خلاف سایر ایات شاعر می‌گوید که اگر نابود شوم دوباره از من وجودی بهتر خلق می‌شود و در تمام عالم، موجودات از هیچ بوجود آمدند، در حالی که در سایر گزینه‌ها گفته می‌شود که این این دنیا محل قرار نیست و باید به جهان دیگری که اصل مایا از آن جاست نقل مکان کرد و هر چیز عاقبت به اصل خود باز می‌گردد. «کل شیء یرجع الی اصله» و «انا لله و انا الی الراجعون» مفاهیم کلیدی این ایات را می‌رسانند.</p> <p>گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی ۲، مفهوم)، درس ۱۳، صفحه‌ی ۹۹</p> <p>در عبارت صورت سؤال گفته شده است که تا زمانی که انسان از خود و تعلقات خویش رها نشده باشد امکان رسیدن به حق وصول به آن را نخواهد داشت. این مفهوم در گزینه‌ی «۴» دیده نمی‌شود در این گزینه شاعر می‌گوید آن چهره‌ی زیبا (چهره‌ی حق) که فروغ و تجلی آن باعث شد کمر کوه نیز بشکند و تاب دیدن آن را نداشته باشد، موسی عمران چگونه می‌تواند آن را به نظره بنشیند؟ می‌بینیم که این مفهوم امکان ناپذیر بودن رؤیت حضرت حق را مطرح می‌کند در حالی که در سایر ایات همان مفهوم عبارت صورت سؤال را تداعی می‌سازد.</p> <p>گزینه‌ی «۱» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌انشکاهی، مفهوم)، درس ۳، صفحه‌ی ۱۷</p> <p>گزینه‌ی «۱» (زمینه‌ی ملی ندارد).</p> <p>تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «گوهر افشناند» و «نوروز» به زمینه‌ی ملی حماسه اشاره دارد.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «درفس داشتن» به زمینه‌ی ملی حماسه اشاره دارد.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «به سر گذاردن کلاه کیانی» به زمینه‌ی ملی حماسه اشاره دارد.</p> <p>گزینه‌ی «۴» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌انشکاهی، مفهوم)، درس ۱۱، صفحه‌ی ۱۱۵</p> <p>در این بیت می‌گوید: «اگر می‌خواهی هموار به خوشبختی برسی باید مثل مورچه بردبار و صبور باشی.» در گزینه‌ی «۴» نیز شاعر می‌گوید: «من با همه‌ی سختی‌ها مثل آینه رو در رو می‌شوم و بردباری می‌کنم و حتی روزگار هم در مقابل صبر و شکبیابی من منغلو شده است.»</p> <p>تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۱»: آیا نمی‌بینی که حتی دوست شکبیاب و بردبار هم وقتی که با او مخالفت کنی به مار خشمگینی بدل می‌گردد و شکبیابی خود را از دست می‌دهد. (از دست دادن شکبیابی در اثر مخالفت)</p> <p>گزینه‌ی «۲»: من با انسان‌های جاهل و بی‌فکر، درشتی و سرتیزه می‌کنم و در مقابل انسان‌های عاقل، مهربان و بردبارم (قابل رفتاری با بی‌خردان و عاقلان مطرح است).</p> <p>گزینه‌ی «۳»: اگر من در مقابل دشمن صبوری کنم و هشیارانه و نیک‌خواهنه رفتار کنم او تصور می‌کند که من از جنگ با او ترسیده‌ام پس باید به گونه‌ای دیگر با او رفتار کنم. (اندیشه‌شنیدن به این که چگونه باید داشتم، مقابله کرد.)</p> | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| <p>گزینه‌ی «۱» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌انشکاهی، مفهوم)، درس ۱۵، صفحه‌ی ۱۱۵</p> <p>در عبارت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ بیان شده است که پاید در مقابل دیگران و سختی‌ها و ناسازها صبوری کرد و شکبیابی به خرج داد. اما در گزینه‌ی «۲» گفته شده است که «خدایا ما گنه کار در این دریای کرم تو قرار گرفته‌ایم، توفیقی عنایت کن و از سر تعصیرات ما بگذر.» که این مفهوم با عبارت صورت سؤال تناسب ندارد.</p> <p>گزینه‌ی «۲» (ادبیات فارسی ۳، مفهوم)، درس ۶، صفحه‌ی ۵۲</p> <p>در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ به امیدواری به سپری شدن ایام سختی و آمدن دوران آسایش اشاره شده است. مفهوم امیدواری و توصیه‌ی به آن دیده می‌شود در حالی که در گزینه‌ی «۳» تنها خبر سپری شدن ایام فراق داده می‌شود و این که باید اکنون شاد بود.</p> <p>گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی ۴، مفهوم)، درس ۱۲، صفحه‌ی ۱۱۲</p> <p>در مفهوم عبارات گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ «عدم پذیرش صله و پرهیز از تنعم به خاطر قانون بودن است در حالی که در گزینه‌ی «۴» عدم پذیرش صله بدان علت است که گیرنده شیوه‌ی به دست آوردن آن را نمی‌داند. (حلال یا حرام بودن)</p> <p>گزینه‌ی «۴» (ادبیات فارسی ۴، مفهوم)، درس ۹، صفحه‌ی ۱۱۸</p> <p>در بیت صورت سؤال آمده است که «من انتظار می‌کشیدم کسی خبری از یار به من بدهد که ناگهان یار خودش آمد و من از شوق دیدار او بی‌هوش و بی‌خبر ماندم.» این مفهوم البته در مقام عرفانی آن در گزینه‌ی «۴» کاملاً مطرح است و صائب تبریزی می‌گوید: «در این جهان تا خبری از اسرار حقیقت یافتم، مرا بی‌هوش و بی‌خبر از آن کردن.»</p> <p>تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۱»: خواجوي کرماني می‌گويد: چون من بی‌قرار و شیدا شدم و از دست رفتم، این انتظار را از لطف تو دارم که به من توجه کنی.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: ملامحسن فیض کاشانی در این بیت می‌گوید که اگر کسی خبری از یار بیاورد، غم مرا از بین می‌برد و من دعاهای فراوانی بدرقه‌اش خواهم کرد.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: در این گزینه هم سعدی می‌گوید تا ذوق درونم از دوست خبری به من می‌دهد دیگر از سرزنش‌های دشمنانم به خدا بخوبی خبرم</p> <p>گزینه‌ی «۲» (زبان و ادبیات فارسی پیش‌انشکاهی، مفهوم)، درس ۱۶، صفحه‌ی ۷۵</p> <p>کرامت: در اصل بزرگواری‌ها (آن چه در گزینه‌ی «۲» آمده است) و در اصطلاح صوفیه امور خارق العاده است که به سبب عنایت خداوندی از صوفی کامل و واصل صادر می‌شود؛ چون اخبار غیبی و اشرف بر ضمایر (آن چه در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ آمده است).</p> <p>شرح ایات:</p> <p>گزینه‌ی «۱»: با انسان‌های کامل و در مقابل آنان، لافداشتن کرامات نزن چرا که هر سخن جا و هر نکته مکان خاص خودش را دارد.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: بزرگواری کن و در درونم درد عشق بی‌روزان دردی که همه‌ی وجودم را فرآگیرد.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: این قدر که ادعای کرامت و مقامات خاصی دارم عاقبت هیچ خبری از هیچ بزرگی به من نرسید و مرا نخواستند.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: وقتی به این ارزش و مقام رسیدی، سبب می‌شود که از کرامت هم چون موسی قدم بگذاری و از هفت آسمان درگذرد.</p> | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |